

جشن سالانه «قره کلیسا»

محمود روح الامینی

اوائل مردادماه هر سال ارامنه مسافرت زیارتی به «قره کلیسا» می نمایند. در تابستان امسال (۱۳۶۱) فرصتی دست داد که من نیز بتوانم، به لطف و یاری تنی چند از دوستان ارمنی، در این مراسم شرکت نمایم. در این مقوله کوشش می شود که ضمن مقدمه ای مختصر درباره ارامنه و «قره کلیسا» (کلیسای - طاووس) مراسم سنتی جشن - هرچند شتاب زده - مورد مطالعه قرار گیرد.

اسفند ۱۳۶۱

I- ارامنه قومی آرمین - آدیائی از نژاد هند و اروپائی هستند که اجداد آنها در حدود پانزده قرن قبل از میلاد مسیح از مناطق آسیای مرکزی به کناره های رودخانه سند مهاجرت کردند. این قوم ضمن مهاجرت از طریق بالکان به آسیای صغیر با طوایفی به نام «هایا» در آمیختند و به تدریج از طرف مغرب به ارمنستان آمدند و قرن ها بعد طوایفی از این قوم مهاجر از طریق ایران به بین النهرین رفته و در آن جا مستقر شدند و کمی قبل از میلاد مسیح سرزمین بین النهرین را رها کرده به سوی سلسله جبال قفقاز آمدند و دامنه این کوهستان را برای اقامت برگزیدند.

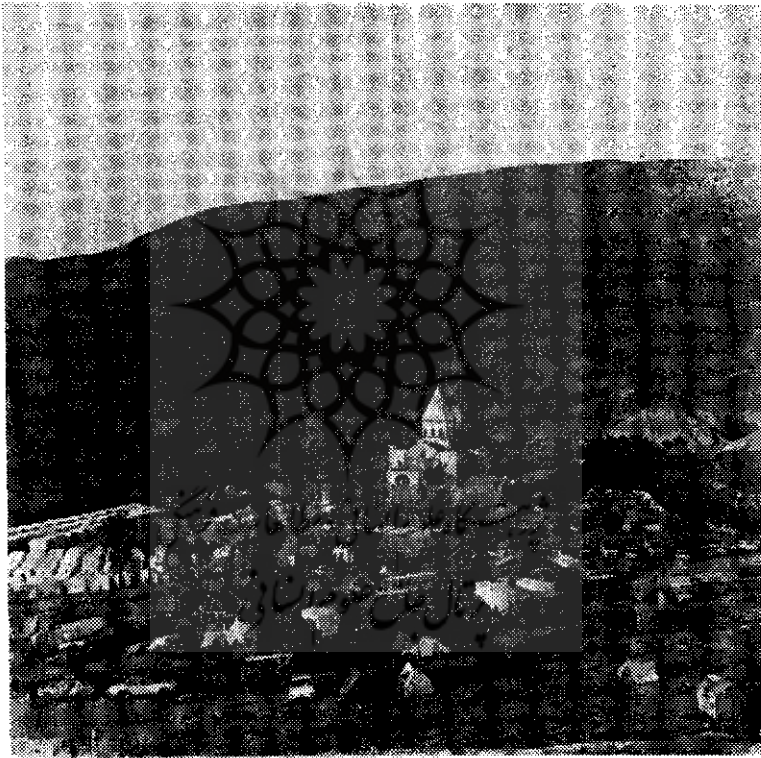
اصطلاح «ارمنستان» از ریشه عبری و به معنی مملکت «آرمینا» است. بنابراین نوشته مورخین «هایک» نخستین رئیس این قوم چهار پسر داشت که نام یکی از آنها «آرمناک» بود و ارامنه را منسوب به او می دانند. هائیا سان نیز که از نام «هایک» و از کلمه «های» به معنی ارمنی گرفته شده نامی است که ارمنستان قدیم را بدان می نامیدند و مورخان آن را «آرمینا» و در کتیبه های باستانی ایران «آرمینه» آمده است.

منظور ما در این مقوله سیر تحولی و تاریخی اقوام ارمنی نیست و می توان به کتب تاریخی مراجعه نمود - ارامنه در حدود سال ۳۰۲ میلادی به وسیله گرجو پوس -

۱. برای اطلاع بیشتر به کتب تاریخی در این باره از جمله دائرة المعارف مصاحب (جلد اول) و کتاب ایرانیان ارمنی نوشته اسمعیل رائین؛ تاریخ ارمنستان (تألیف خداوردیان، سارگیسیان، ابراهامیان، نرسیسیان) ترجمه گرمانیک (دو جلد) چاپ تهران ۱۳۶۰؛ مسافرت به ایران و ارمنستان به قلم پ. آ. ژوبر ترجمه محمود هدایت. چاپ تابان ۱۳۲۲.

منوئا به صورت عام به مسیحیت گرویدند. از نظر اعتقادی و خصوصاً اجرای مناسک دینی ارامنه با سایر مسیحیان متفاوتند ولی آن چه ارامنه را به عنوان قوم و ملت مشخص می سازد مجموعه حیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی و اعتقادی و اقتصادی است. ارامنه ایران امروز بالغ بر ۱۰۳۱۶۳ نفرند^۲ که در آذربایجان، اصفهان، تهران و خوزستان و... زندگی می کنند.

II- کلیسای طاطاوس معروف به قره کلیسا در منطقه ای به همین نام در بخش سرچشمه از شهرستان ماکو واقع شده. عده ای از مورخین، این کلیسا را نخستین بنای مسیحی جهان می شناسند و در این باره گویند که طاطاوس یکی از حواریون مسیح به ارمنستان دعوت شد و در سال ۴۰ میلادی به ارمنستان آمد و به تبلیغ مسیحیت پرداخت. از جمله کسانی که به آئین مسیح رو آوردند «ساناتروک» پادشاه ارمنستان و دخترش



۱. قدیس گرگوریوس (gregoriuse) منور (۲۵۷-۳۳۷) معروف به رسول ارمنستان. وی تیرداد سوم ارمنستان و اشراف آن سرزمین را مسیحی کرد و در نتیجه مردم سراسر ارمنستان مسیحیت را پذیرفتند و بدین گونه اولین کشور مسیحی پدید آمد. وی مؤسس کلیسای ارمنی است.

۲. بر اساس سرشماری سال ۱۳۵۵.

«ساندخت» بودند ولی سلطان کمی بعد پشیمان شد و به مخالفت با مذهب جدید پرداخت ولی کوشش او برای بازگرداندن دخترش از مذهب تازه بی‌فایده ماند و سرانجام دستور قتل طاهاوس و دختر خود ساندخت و جمعی دیگر از کسانی که به مسیحیت گرویده بودند داد. طاهاوس و پیروان دیگر مقتول و در ناحیه آدتاز (منطقه‌ای که از شمال سواحل رودخانه ارس شروع شده و در غرب تا مجاور دان و شهر فعلی ماکو است) مدفون گردیدند.

در سال ۳۵۲ میلادی، دوران سلطنت تیرداد (از سلاطین ارمنستان) که مسیحیت در ارمنستان به صورت دین رسمی درآمد. مسیحیان ارمنی که خاطره شهادت طاهاوس و ساندخت را نسل به نسل حفظ کرده بودند در محل مزار آنان کلیساهائی بنا کردند که «قره کلیسا» یکی از آنهاست. گویا اصطلاح «چالداان» (که در جنوب غربی ماکو واقع است) از کلمه چهار دان که اشاره‌ایست به چهار کلیسا گرفته شده و غالباً بزرگان و شیوخ کلیساهای ارمنی در این منطقه زندگی می‌کرده‌اند.

حمدا له مستوفی در نزهت القلوب از «مرجان‌شاه» اسقف اعظم ارمنه یاد کرده که در یکی از دهات کوهستانی نزدیک ماکو می‌زیسته است.

نخستین سند تاریخی که در آن از قره کلیسا یاد شده کتابی از مورخ «آدیسرونی» و مربوط به اواخر قرن نهم میلادی است و بعدها در قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی تحت عنوان کلیسای تادئی از آن یاد شده است.

در سال ۱۲۳۵ میلادی (۶۱۶ هجری) هنگام حمله چنگیز قسمت بزرگی از کلیسا ویران گردید. ادغون (از سرداران مغول) با آن که با لئون پادشاه ارمنستان و یکی از فلاسفه ارمنی به نام تودس که به دیدار او رفته بودند قرارداد عدم تعرض بسته و حتی یک بار نیز خود به زیارت کلیسا رفته بود، نه تنها اسقف کلیسا را دستگیر کرده و به قتل رسانید، و همه اموال کلیسا را غارت کرده بود بلکه دستور داد که ساختمان کلیسا را به کلی منهدم کنند. چندی بعد در دوران اقامت هلاکوخان مغول در آذربایجان همزمان با ایجاد رصدخانه مراغه و اجتماع علماء و دانشمندان زیر نظر خواجه نصیرالدین طوسی، مرمت کلیسا آغاز شد و حتی کمک مختصری برای تجدید بنای آن در نظر گرفته شده.

این کلیسا یک بار نیز در زلزله‌ای که در سال ۷۱۲ هجری اتفاق افتاد ویران گردید و سندی که درباره تعمیر آن به وسیله «ذکریای قدیس» صورت گرفته در دست می‌باشد. در لشکرکشی آغامحمدخان قاجار (۱۲۰۱ هجری) به این منطقه، کلیسای مزبور مورد تاراج قرار گرفت و در ۱۲۲۴ هجری با موافقت عباس میرزا به وسیله اسقف بزونی

۱. نقل به اختصار از کتاب «ایرانیان ارمنی» نوشته اسماعیل رائین.

قسمتی از سنگ‌های سیاه کلیسا را به سنگ سفید بدل کردند و بر آن‌ها شمایل حواریون حجاری گردید که اکنون موجود است.

قره کلیسا یا کلیسای طاطادسی یا کلیسای نادنی طی قرون متمادی حیات خود فراوان دستخوش ویرانی، زلزله، تاراج و بی‌مهری قرار گرفته و نیز فراوان مورد توجه آبادانی، رونق و شکوه واقع گردیده است و امروزه به مناسبت جشن سالانه‌ای که از چهل سال قبل رسمیت یافته، تابستان‌ها میعادگاه آرامنه ایران (و گاه آرامنه کشورهای دیگر) گردیده است، جشنی که انگیزه سخن ما در این مقوله است.

III- جشن قره کلیسا از جمله جشن‌های فصلی است که به صورت دسته‌جمعی و همگانی همراه با مناسک و مراسم اعتقادی در یکی از روزهای شبیه، آخرین هفته تیرماه یا اولین هفته مردادماه (با توجه به تقویم ارمنی) برگزار می‌شود. جشن‌های فصلی و همگانی را تقریباً در میان همه اقوام و ملل و ادیان می‌توان یافت، که به عنوان نمونه باید به جشن پیر چک‌چکو (پیر سبز) که در روزهای آخر خردادماه به وسیله زرتشتیان در دامنه کوهی در نزدیکی یزد^۱ برگزار می‌شود و یا به مراسم قالی شویان که در مشهد اردهان از توابع کاشان در دومین یا سومین جمعه ماه مهر انجام می‌گیرد اشاره نمود.

ریشه جشن‌های فصلی را، فولکلورشناسان با برداشت محصول، شروع فعالیت کشاورزی، فراغت از کار یا مناسبت‌های دیگری از این قبیل که با تغییر وضع جوی یا تغییر وضع شغلی همراه می‌دانند و معتقدند این گونه جشن‌ها به تدریج رنگ محلی، قومی، ملی و یا دینی به خود گرفته است.

زمان برگزاری جشن قره کلیسا را بر اساس تقویم شمسی هجری نمی‌توان با دقت مشخص نمود. زیرا این جشن مانند غالب اعیاد آرامنه با رویدادهای مذهبی و ملی ارمنی مربوط است و می‌توان آن را تقریباً در فاصله بین ۲۵ تیرماه تا ۱۰ مرداد به مدت سه روز (پنجشنبه و جمعه و شنبه) دانست.^۲

برگزاری جشن و مسافرت دسته‌جمعی به زیارتگاهی که در دامان طبیعت قرار دارد نه خاص «قره کلیسا» و نه منحصر به آرامنه است. در بین ادیان و اقوام دیگر نیز فراوان یافت می‌شود. و در این زمینه در کتاب «اعیاد کلیسای آرامنه» آمده است: «... وقتی آداب

۱. به مقاله «به حق پیر چک‌چکو» مجله چیستا، سال اول، شماره ۱، شهریورماه ۱۳۶۰ مراجعه شود.

۲. «برخی از اعیاد کلیسای ارمنی در یک تاریخ معین وثابت برگزار می‌شود و پاره‌ای دیگر به همراه تغییرات نجومی و قمری در تاریخ‌های مختلف اجرا می‌گردد».

کتاب اعیاد کلیسای ارمنی صفحه ۱۶

و رسوم توده مردم مورد مطالعه قرار می گیرد، می بینیم که عوام، هنگام بعضی از اعیاد از خانه های خود بیرون آمده و دسته دسته به دشت و صحرا می رفتند و مراسم خاصی را در هوای آزاد و در میان طبیعت برگزار می کردند^۱.

دامنه طبیعت و دامان کوه یکی از میعادگاه های کهن و عمومی جشن ها، مناسک، عبادات و طغیان ها است که نه تنها در اسطوره ها و داستان ها فراوان یافت می شود بلکه امروزه نیز در جشن ها و مناسک بودائیان، زرتشتیان، کلیمیان، مسیحیان و مسلمانان فراوان است.

بعضی از محققین پناه بردن به دامان طبیعت را در جشن ها و مناسک نشانه ای بر بقایای اعتقادات جوامع اولیه به پرستش طبیعت می دانند، که با توجه به زندگی معیشتی آن زمان و تمدن ساده نزدیک به طبیعت جوامع اولیه، این امر نمی تواند دلیلی متقن باشد و به علاوه کشتش به دامان طبیعت امروز نیز برای کسانی که در شهرهای صنعتی زندگی می کنند فراوان است بدون این که تصویری از پرستش طبیعت در میان باشد.

ارامنه ایران به صورت دسته جمعی و خانوادگی از شهرهای تبریز، ارومیه، تهران، اصفهان برای چند روز، جشن و زیارت به قره کلیسا می آیند^۲ علاوه بر ارامنه خانواده هاائی از آسوریان و به ندرت خانواده ئی کاتولیک نیز شرکت می نمایند.

با این که بیش از چهل سال از برگزاری رسمی این جشن در این تاریخ (اوائل مرداد) نمی گذارد معذالك مقام و شهرت خود را در بین جشن های سنتی به دست آورده، البته تبلیغات مختلف و متنوع و گاه اغراق آمیز سال های گذشته نیز مؤثر بوده است.

عده زائرین جشن «قره کلیسا» در تابستان ۱۳۶۱ قابل توجه بود، و این اولین جشنی بود که بعد از انقلاب برگزار می گردید و طبیعی است که با وجود جنگ تحمیلی و چیره بندی بنزین و کشتارها و ضایعات ناشی از آن که بالطبع ارامنه نیز در آن سهمیم می باشند، حال و حواس و جمعیت خاطری برای جشن ها باقی نمی ماند، جشن قره کلیسا نیز رونق و جنب و جوش متعارف را نداشت. جمعیت شرکت کننده امسال را بایستی بین سه هزار و پانصد تا چهار هزار نفر تخمین زد^۳.

۱. اسقف ارداک مانوکیان، کتاب «اعیاد کلیسای ارامنه»، صفحه ۹۰.

۲. در تابستان ۱۳۶۱ به علت جنگ و کمبود بنزین زائرین شهرهای دور چون تهران و اصفهان کمتر آمده بودند.

۳. این تخمین جمعیت تقریبی و براساس تعداد چادرها است تقریباً ۲۰۰ چادر از طرف خلیفه گری و ۳۵۰ چادر خصوصی بود و قریب ۵۰ کامیون و وانت بار نیز محل بیتوته قرار گرفته است امید است که بتوان در فرصتی مناسب تحقیق دقیقی درباره جشن «قره» کلیسا به عمل آورد.

مدت زمان توقف خانواده‌ها در « قره کلیسا » متفاوت است و علی‌الرسم سه روز (پنجشنبه و جمعه و شنبه) بایستی در آن جا باشند ولی کسانی که از راه دور (چون تهران و اصفهان) می‌آیند گاهی بیش از سه روز می‌مانند و نیز خانواده‌هایی بودند که روز جمعه از تبریز آمده و فقط برای یک شب در آن جا چادر زدند.

محل توقف : با وجود کثرت جمعیت در روزهای جشن معذالك ساختمان و بنائی برای بیتوته زائرین وجود ندارد. خانه‌های روستائی قره کلیسا (در حدود ده خانه است) که متعلق به کشاورزان مسلمان روستا است در سیصد متری کلیسا است و مسورد استفاده زائرین قرار نمی‌گیرد.

برای سکونت زائرین حدود دویست چادر از طرف خلیفه‌گری نصب می‌گردد (غیر از چادرهایی که به منظور انتظامات، درمانگاه و... پیش‌بینی شده) که برای مدت جشن به اجاره داده می‌شود، و تقریباً دو برابر این تعداد چادرهای خصوصی نصب می‌گردد، سازمان‌های مختلف ارمنی نیز چادرهای بزرگ (تقریباً صد نفری) برپا می‌دارند. به علاوه تعداد زیادی کامیون و وانت بار و اتومبیل به عنوان محل بیتوته مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جشن «قره کلیسا» مجموعه‌ای از انگیزه‌های اعتقادی، ملیتی، سنتی، خانوادگی، عاطفی، تفریحی و همچنین میل به مسافرت و استفاده از آب و هوای بیلاقی و دیدار دوستان و آشنایان است و در واقع یک تظاهر سنتی و فرهنگی و اجتماعی است که در چهارچوب اعتقادات قرار گرفته است.

هرچند که تفکیک ابعاد مختلف جشن‌ها، مناسک و مراسم به آسانی مقدور نیست ولی می‌گوییم - هرچند شتاب‌زده و گذرا - به جنبه‌هایی از جشن اشاره نمائیم.

الف - سه‌روز مهمانی: تهیه غذا و پرداختن به خوردن و آشامیدن سرگرمی عمومی خانواده‌ها را تشکیل می‌دهند. (و این تقریباً از خصوصیات همه جشن‌ها است). در غالب ساعات روز و شب بساط غذا در چادرها یا آستانه چادرها پهن بود و مرکزیت خانواده و یا خانواده‌ها را تشکیل می‌داد. و گوسفند قربانی (بعداً خواهد آمد) بایستی در این سه روزه خورده شود. به قول یکی از ارامنه: «این «سه‌روز مهمانی» است که خودمان از خودمان پذیرائی می‌کنیم». در این سه روزه غذای خاصی که متفاوت با غذاهای ایام دیگر سال خانواده‌ها باشد پخته نمی‌شود و تا اندازه‌ای هم برعکس از غذاهای آماده (به صورت کنسرو) یا غذاهائی که دیرتر فاسد می‌شود (چون ژامبون) استفاده می‌شود. اطلاق اصطلاح «سه‌روز مهمانی» به خاطر کمیت مقدار مصرفی مشروبات و ماکولات است و نه کیفیت طبخ و تهیه غذا.

ب - تجدید دیدار: ارامنه شهرهای مختلف ایران چند روزه جشن «قره کلیسا» را فرصتی مناسب برای دیدن دوستان و خویشاوندان می‌دانند. آرمادیل می‌گفت در این مدت

بیست و پنج سالی که از ارومیه به تهران آمده‌ام بعضی از دوستان و هم‌کلاسان سابقم را فقط در مواقعی که به «قره‌کلیسا» می‌آیم می‌بینم. ملاقات کردن دوستان و آشنایان یکی از لذت‌های قوی کنج‌کاو‌ها، دلسوزی‌ها، به‌رخ کشیدن‌های افراد در جشن‌های دسته‌جمعی و مناسک گروهی است.

ج- مراسم و مناسک دینی: دعای کلیسا (بادراک) در روزهای پنجشنبه و جمعه دوبار (صبح و عصر) برگزار می‌گردد ولی در روز شنبه فقط یک‌بار و با تشریفات ویژه عید (داغوار) به وسیله اسقف اعظم (آرداک هانوکیان، اسقف تهران) و اسقف تبریز (عالیجناب باکراد هلکنیان) اجرا می‌شود و دعا و سرود (شاراکان) به صورت دسته‌جمعی و با همراهی دسته کُر خوانده می‌شود. مراسم روز شنبه از ساعت ۱۰ صبح شروع و تقریباً تا یک بعد از ظهر به طول می‌انجامد. تمامی ادعیه و خطبه‌ها و سرودها به زبان ارمنی است.

شرکت در مراسم کلیسا امری اجباری نیست و از مجموع ۵ دعای کلیسا (بادراک) عده‌ای دو یا سه بار شرکت می‌کنند و نیز کم نیستند کسانی که در این چند روزه جشن به هیچ وجه در مراسم کلیسا حاضر نمی‌شوند.

د- قربانی کردن: هر چند قربانی کردن در مسیحیت یک فریضه دینی نیست ولی در بین ارمنه به عنوان یک سنت همگانی به همراه تبرک نمک انجام می‌گیرد، برای قربانی کردن در بین ارمنه زمان خاصی وجود ندارد بلکه به مناسبت‌ها، گرفتاری‌ها و ندرها «با اجرای مراسم دعای مخصوص» برگزار می‌شود.

در چند روز مراسم قره‌کلیسا «قربانی کردن» گوسفند زیاد انجام می‌گیرد، برای ذبح، روز معینی در نظر گرفته نمی‌شود. بیشتر در روزهای پنجشنبه و جمعه و به ندرت در روز شنبه ذبح می‌شود، این قربانی همراه با مراسم خاصی نیست، گوشت گوسفندان ذبح شده - برخلاف آن‌چه معمولاً در قربانی‌ها مرسوم است - بین مستمندان و تهیدستان تقسیم نمی‌شود (ظاهراً مستمند و تهیدستی، به جز یکی دو نفر به چشم نمی‌خورد) بلکه به وسیله خانواده‌های خویشاوند به مصرف تهیه غذا و ضیافت می‌رسد و به قورل یکی از زائرین نذراً فقط با ریختن خون گوسفند بر زمین اجرا می‌شود - اگر فقیر نبود خودمان می‌خوریم. در روزهای جشن چوپانان منطقه درحول و حوش کلیسا برای فروش گوسفند می‌آیند و معمولاً در روزهای اول و دوم گوسفند با قیمتی مضاعف خرید و فروش می‌شود و در روز سوم (روز آخر) «قیمت می‌شکند» و نسبتاً ارزان می‌شود.

۱. مبحث «تبرک نمک و مراسم قربانی» کتاب اعیاد کلیسای ارمنی، صفحه ۱۳۷.

۲. گوسفندی که در حدود ۴۰ کیلو (زنده) وزن داشت تقریباً سه هزار تومان به فروش می‌رسید و گویا با قیمت متعارف این گوسفند با وجود گرانی فعلی در آن منطقه نصف این قیمت می‌باشد.

۵- مشغولیات: روزهای جشن و تا پاسی از شب رفته دسته‌های مختلف، به صورت گروه‌های سنی یا خویشاوندی به شادی و پایکوبی، انجام مسابقات مختلف، اسب‌سواری (روستائیان مجاور تعدادی اسب و قاطر و الاغ آورده و به کرایه می‌دهند)، بازی، ورزش و جمع‌آوری گیاهان داروئی (در دامنه کوه‌های این منطقه گویا گیاهان داروئی فراوان است) می‌پردازند.

در سابق محصولات کشاورزی و فراورده‌های دامی منطقه و نیز کارهای دستی روستائیان مجاور برای فروش عرضه می‌شده است که امسال به علت کمبودها و محدودیت‌های ناشی از جنگ بسیار کم شده بود. و خرید و فروش منحصر به صایب و مجسمه‌های قدسین و سوغات‌های متبرک اعتقادی گردیده بود.

بازگشت: جشن چندروزه و مراسم زیارتی «قره‌کلیسا» بعد از مراسم دعای کلیسا یعنی بعد از ظهر شنبه تقریباً پایان می‌پذیرد و به تدریج چادرها جمع‌آوری و عده زیادی غروب یا شب برمی‌گردند. خانواده‌هایی نیز که یک‌شب دیگر در آن جا بیتوته کنند حتماً یکشنبه بر خواهند گشت و دعای روز یکشنبه کلیسا به منزله آخرین مرحله اجرای مراسم



جشن «قره کلیسا» است.

ساکنین روستاها و مناطق مجاور، که تقریباً همه مسلمانند، برگزاری این جشن برایشان امری آشنا است و هنگام عبور و مرور وسائط نقلیه و آمد و رفت زائرین ارمنی - که بالطبع نظم و وضع متعارف منطقه را به هم می‌زنند - با گشاده‌روئی و علائم شادی و سرور به استقبال می‌آیند. روستائیان مسلمان منطقه، در گرد و غباری که از حرکت اتومبیل‌ها برمی‌خیزد، با «سفر بخیر» گفتن و حرکت دست مسافرین و زائرین ارمنی را بدرقه می‌کنند. و طبیعی است اگر شعر یا مضمون ترجیع‌بند هاتف، که پایان بخش این مقاله است، از خاطر بگذرد:

از تو ای دوست نگسلم پیوند ور به تیغم برند بند از بند

در کلیسا به دلبری ترسا گفتم ای دل به دام تو با بند
ای که دارد به تار زنارت هر سر موی من جدا پیوند
ره به وحدت نیافتن تا کی ننگ تئلیث بر یکی تا چند
نام حق یگانه چون شاید که «آب» و «آب» «روح آندس» نهند
لب شیرین گشود و با من گفت و زشکر خنده ریخت از لب قند
که گر از سر وحدت آگاهی تهمت کافری به ما مپسند
در سه آئینه شاهد ازلی پرتو از روی تابناک افکند
سه نگرود بریشم ار او را پرنیان خوانی و حریر و پرند
ما در این گفتگو که از یکسو شد ز ناقوس این ترانه بلند

که یکی هست و هیچ نیست جز او

وحده لاله الا هو